

برای مراقبت از چشم و مغزتان، هر پیام و ایبری را نخوانید!

بهمن 18، 1393

به گزارش [نشریه الکترونیکی نگاه](#) به نقل از تابناک، اگر از *
مزایایی چون کم هزینه بودن، قابلیت ارتباط رایگان با نقاط
مختلف کره خاکی، ارسال فایل‌های تصویری، ویدئویی و... امثال آنها
بگذریم، دنیای رنگارنگ ابزارهای ارتباطی نوین، چندان بی اشکال هم
نیست، ولی به این دلیل که اشکالات آن کمتر قابل دیدن است، تا کنون
کمتر متوجه وجودشان شده‌ایم.

از جمله این اشکالات، رایگان بودن ارتباطات از طریق این
ابزارهاست؛ بله، رایگان بودن ابزارهای ارتباطی چون وایبر،
تلگرام، لاین و امثال آنها، برای مایی که مدت‌ها به عدد و رقم‌های
قبض تلفن‌های همراهان فکر می‌کردیم و برای کاهش برنامه داشتیم،
حکم سمی را داشته که اثرات آن در بلند مدت آشکار می‌شود.

این ویژگی به ظاهر مطلوب، از یکسو وقت بیشتری از زندگی روزمره
مان را به چرخیدن در دنیای مجازی اختصاص داده و به نوعی بر
بطالتمان افزوده و از سوی دیگر، برخی محدودیت‌هایی را از سر
راهمان برداشته که کنار آمدن با آن برای بسیاری مان ساده نیست.

البته شاید محدودیت لفظ مناسبی برای بیان ملاحظاتی که در ارسال
برخی مطالب از طریق پیامک برای یکدیگر داشتیم، نباشد ولی علت هر
چه بود، اگر تا پیش از این هر جوک و لطیفه‌ای را برای یکدیگر
ارسال نمی‌کردیم، حالا که به ارتباطات ارزان تری دست یافته‌ایم
روشان را تغییر داده‌ایم و از ارسالشان دریغ نمی‌ورزیم.

بدین ترتیب شاهدیم که موج جوک‌ها و لطیفه‌ها در قیاس با گذشته
بسیار سریع‌تر به راه افتاده و منتشر می‌شوند؛ اینقدر که فراگیر
شدن برخی انواع لطیفه در یکی دو روز، برایمان عجیب به نظر نرسیده
و طبیعی جلوه می‌کند. البته این خاصیت منحصر به ابزارهای ارتباطی
نیست و پیشتر در دنیای شبکه‌های اجتماعی، به طور کامل آن را درک
کرده‌ایم.

اما آنچه ارتباط اینترنتی از طریق نرم افزارهایی مانند وایبر،
واتساپ و غیره را از ارتباطاتی که در شبکه‌های مجازی رخ می‌دهد،

متفاوت می‌کند، حریم غیر قابل دید این نوع از ارتباطات است. حریمی که ظاهراً قابلیت رهگیری ندارد و به دلایلی از این دست، گاه محل تبادل جوک‌هایی می‌شود که بیشتر در هیچ نوع ارتباطاتی رد و بدل نمی‌شود.

کافی است کمی به مضمون جوک‌های رد و بدل شده در چند سال اخیر توجه کنیم تا دریابیم حجم جوک‌های سیاه تا چه اندازه فزونی یافته است؛ جوک‌هایی که که بر خلاف لطیفه‌های با نمک، هیچ نتیجه قابل دفاعی برای جامعه به ارمغان نمی‌آورند، بلکه یا مستقیم زمینه ترور شخصیتی برخی اشخاص، بعضی قومیت‌ها را فراهم می‌آورند و یا موجبات تخریبشان به مرور زمان را فراهم می‌آورند.

این در حالی است که اگر تعارف را کنار بگذاریم، به نوع ترسناک‌تری از این جوک‌ها برخورد خواهیم کرد که یا جنسی هستند، یا تحقیرهای جنس‌گرایانه در متنشان به چشم می‌خورد و یا ترکیبی از این دست موارد به شمار می‌آیند؛ جوک‌هایی که شاید خنده‌های ناگهانی‌تر را سبب شوند و شاید موجبات تاسف شدید را فراهم آورند اما در پس این احساساتِ آنی، خواه یا ناخواه اثرات شوم خود را برجای می‌گذارند.

کافی است از جمله افرادی باشید که به مدد گوشی تلفن همراهِ هوشمندشان، چرخیدن در این دنیاهای ارتباطی را تجربه کرده‌اند تا منظور از جوک‌های سیاه را درک کرده و نقش‌شان در قبح‌شکنی از برخی مسائل اخلاقی در جامعه برایتان آشکار شده باشد؛ به ویژه آنجا که به یاد می‌آوریم «حیا» از شاخصه‌های مورد تاکید در اخلاق ایرانی و اسلامی ماست و می‌بایست در دیدن، در شنیدن و در همه امور زندگی روزمره مراقب خدشه‌دار نشدنش باشیم.

با این حساب آیا می‌توان انبوه جوک‌های قومیتی، سکسی، جنسی و... را خواند و از کنار اثراتی که ناخودآگاه بر ذهنمان می‌گذارد به سادگی گذشت؟ آیا می‌توان جوک‌هایی درباره مسائل جنسی خواند، به آنها خندید و با چند انگشت جنبانیدن ساده آن‌ها را در دیگر جمع‌های مجازی بازنشر داد و نگران آسیب دیدن حیا خود نبود؟ پس چه باید کرد؟

کافی است کمی منصف باشیم تا بدانیم نمره بسیاری مان در دنیای ارتباطات نوین به مرز مردودی نزدیک‌تر است تا نمره ممتاز، چراکه اگر فرستنده انبوه جوک‌های سیاه نباشیم، فرستنده خرد این مضامین آسیب‌زننده به شمار می‌آییم و در غیر این صورت، دست کم خواننده آنها به شمار می‌آییم. یعنی احتمال آنکه در ابتدای خواندن متن نامطلوبی از خواندن ادامه آن صرف نظر کنیم، کم است.

بدین ترتیب اگر بپذیریم که صرف خواندن این دست جوک ها هم می‌تواند لطماتی برایمان به همراه بیاورد، آن زمان به نظر می‌رسد که بیماری خود را پذیرفته ایم و می‌توانیم به درمانش امیدوار باشیم؛ درمانی که ممکن است با ترک آن گروه‌هایی همراه باشد که در نرم افزارهای مختلف در آن عضو هستیم و رد و بدل شدن جوک‌های سیاه در آنها رواج زیادی دارد یا حتی به بخشیدن عطای این ارتباط رایگان به لقایش ختم شود.